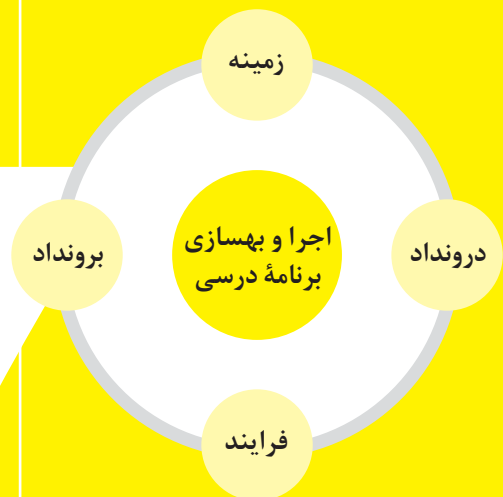


اجرا و بهسازی برنامه درسی

اگر براساس مقالات همکاران قبول کنیم که مؤلفه‌های اساسی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش، عبارت‌است از درونداد، برونداد و فرایند که در نمودار صفحه بعد آمده‌اند، حال سؤال این است که هنرآموزان و توانایی آن‌ها در کجای این سیستم قرار دارد؟ میزان اهمیت دادن به کتاب‌های درسی - اگر مورد توجه هنرجویان قرار گیرند - تعیین کننده سرنوشت آن‌هاست؛ البته اگر معلمی توانمند در کنار آن‌ها به تبیین مطالب بپردازد. برونداد مطلوب این نظام در حالی شکل می‌گیرد، و عناصری چون خلاقیت، علاقه‌مندی به آموزش مادام‌العمر، کارآفرینی و اشتغال، از این سیستم در صورتی تراوش می‌کند

در برنامه درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش مبتنی بر شایستگی، گرچه کتاب‌های تألیف شده میزان حرکت به سمت تحقق این شایستگی را تسریع می‌کنند، اما به دلیل آنکه بخش خصوصی معمولاً رغبتی برای ورود به عرصه آموزش و تربیت نیروی انسانی و توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از خود نشان نمی‌دهد، وظیفه دولت‌هاست که با سرمایه‌گذاری در این بخش، که آثار بلا فصل آن در افزایش کیفیت کار، بالا رفتن توان اقتصادی و آثار ضمنی آن، شامل کاهش فسادهای اجتماعی، نرخ مهاجرت، فقر، بی‌کاری و اختلاف طبقاتی قابل ملاحظه است - قدم‌های بلند بردارند.



بهسازی برنامه درسی «خوب کار نکند.

هنرآموز می‌تواند یادگیری و اشتغال را همانند یک چسب به هم پیوند دهد. پلی باشد میان محیط کار و محیط آموزش. فعالیت‌های یک واحد کاری مثل تعمیرگاه خودرو، اداره فروشگاه و رستوران، احداث ساختمان و... را به صورت واقعی در مدرسه تحت سرپرستی خود اداره نماید. هنرستان باید در هجوم تقاضا قرار گیرد و یا برعکس، هنرستان باید در زمینه‌ای فعالیت کند که در آن منطقه هجوم تقاضا وجود دارد. برای مثال، اگر در شهری که در کنار یک بندر خوش آب‌وهوا و گردشگری قرار دارد، هنرستانی به آموزش نرم‌افزار رایانه و یا گرافیکی بپردازد، آیا در هجوم تقاضا قرار دارد؟ یا آموزش هتل‌داری و آشپزی به سبک رستوران، بازرگانی و بازاریابی برای آن تقاضا به بار می‌آورد؟ آیا گشایش یک بازار تازه و یافتن منابع جدید از وظایف یک محیط آموزشی نیست؟ آیا دید وسیع و حاکم یک هنرآموز در یک منطقه نباید به ایجاد تقاضا برای هنرستان معطوف باشد؟ در این شماره نظر خوانندگان را به گزارشی از هنرستان دخترانه هدف جلب می‌نمائیم و پاسخ به سؤال آخر این گزارش «میزان اثرگذاری این هنرستان در توسعه منطقه‌ای» را به عهده مخاطبین گذاشته‌ایم.

سردبیر

که هنرآموز به عنوان هسته اصلی و تأثیرگذار در این سیستم مورد توجه نظام آموزشی قرار گیرد. در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش فعلی ما، بین کسانی که آموزش می‌بینند و کسانی که آموزش می‌دهند و آن‌هایی که باید از خروجی سیستم بهره‌مند شوند، هیچ ارتباط سیستمی وجود ندارد. اکثر قریب به اتفاق هنرآموزان، مطالب رشته‌ای را آموزش می‌دهند که خود در آن رشته مشغول به کار تولیدی نیستند و خود به حد شایستگی نرسیده‌اند. گویا نظام آموزشی آن‌ها را فراموش کرده است. کلاس‌های ضمن خدمت کفایت امور فوق را ندارد. آنچه در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای عرضه می‌شود، بر مبنای تقاضا نیست و چون تقاضایی نیست، بهره‌برداران برای تربیت نیروی انسانی، چه در سطح هنرآموز و چه در سطح هنرجو، متقبل هزینه نمی‌شوند. برنامه درسی شایستگی‌محور، در ظرفیت بالای خود هنرجویانی تربیت خواهد کرد در سطح المپیادها... لیکن اگر این تربیت‌یافتگان نقش پررنگ در توسعه اقتصادی نداشته باشند، به انسان‌هایی تبدیل خواهند شد با بازوهای قوی که برای نمایشگاه‌ها مفید خواهند بود.

نشان دادن آن‌ها در جشنواره‌ها و نام بردن از آن‌ها در سمینارها برای مدیران آموزشی ارمغان‌ها به بار می‌آورد ولی نقش آن‌ها در کارآفرینی، اشتغال و تولید چه میزان خواهد بود، اگر «نظام اجرا و